



# عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks  
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توراہ ربای خیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

## تفسیر هفتگی توراہ

Vayikra

Between Destiny and Chance

Vayikra

### ویکرا: میان سرنوشت و اتفاق

سومین کتاب تورات را در زبان انگلیسی Leviticus می نامند، واژه ای برگرفته از یونانی و لاتین به معنای "پیرامون لایوان". این واژه این امر را بازتاب می دهد که در یهودیت، کاهنان یا فرزندان اهرن، از قبیله ی لوی بودند و نام باستانی کتاب، *Torat Kohanim* یا قوانین کوهنیم بوده است. این عنوانی مناسب است. زیرا شموت و بمیدبار (خروج و اعداد) سراسر، روایت هستند و کتاب میان آنها ابتدا به قربانگاه و سپس به معبد یروشالایم می پردازد. همان گونه که نام *Torat Kohanim* بیان می کند، درباره ی کوهنیم و کارکرد آنان همچون نگهبانان تقدس است.

برعکس، نام سنتی ویقرا (لایوان - کتاب سوم) به معنای "و او فراخواند"، به نظر اتفاقی می رسد. ویقرا کلمه ی اول این کتاب است و میان آن و موضوع هایی که به آنها می پردازد، هیچ ارتباطی نیست. من استدلال می کنم که حقیقت در اینجا به گونه ای دیگر است. ارتباط عمیقی هست میان کلمه ی ویقرا و پیام سراسری کتاب.

برای فهم این نکته باید دریابیم که قرار گرفتن این کلمه در تومار توراه با امری غیر معمول همراه است. آخرین حرف آن که یک آلف است با حروف ریز نوشته می شود - تقریباً به گونه ای که انگار وجود ندارد. حروف با اندازه‌ی استاندارد این کلمه را به ویکار تبدیل می کنند، یعنی "او رویاروی شد، برای او اتفاق افتاد". برعکس ویکرا که به فراخوان، احضار و دیداری بر اساس درخواست گفته می شود، ویکار به معنای دیدار اتفاقی و ناگهانی است.

حکیمان تلمودی که به سایه روشن های متن حساسیت دارند، متوجه تفاوت میان فراخوان به موسی که کتاب با آن آغاز می شود و پدیداری خدا به نبی بت پرستان یعنی بیلعام هستند. میدراش این تفاوت را چنین بیان می کند:

تفاوت میان انبیاء اسرائیل و انبیاء ملل بت پرست دنیا چیست؟... ربی حاما بن حینا گفت: خداوند متعال که نام او متبارک باد، خود را به ملل بت پرست با نشانی ناکامل پدیدار می سازد، چنان که آمده: "و خداوند به بیلعام پدیدار شد"، اما در مورد انبیاء اسرائیل با نشانی کامل پدیدار می شود، چنانکه آمده: "و او موسی را فراخواند."

راشی واضح تر می گوید:

همه‌ی ارتباط گیری های خدا با موسی، خواه از کلمات سخن گفتن یا گفتن یا دستور دادن استفاده کند، با فراخوانی [*keri'ah*] از پیش همراه می شود که کلمه ای است برای عزیز داشتن و فرشتگان هنگام سخن گفتن با یکدیگر بیان می کنند، چنانکه آمده: "و یکی دیگری را فراخواند" *vekara zeh el zeh* (یشعیا ۶:۳). اما برای انبیاء ملل دنیا پدیداری خدا همچون بیان یک رویارویی اتفاقی با چیزی ناپاک است، چنانکه آمده: "و خداوند بر بیلعام پدیدار شد."

بعل هتوریم یک مرحله پیشتر رفته، آلف ریز را این گونه تفسیر می کند:

موسی هم بزرگ بود و هم خاکسار و فقط می خواست بنویسد ویکار، یعنی اتفاقی. چنانکه گویی خداوند متعال تنها در یک رؤیا بر او پدیدار شد، چنانکه در مورد بیلعام آمده [ویکار بدون آلف]، تا القا کند که خداوند اتفاقی بر او پدیدار شد. اما خدا به او گفت کلمه را با آلف بنویسد. سپس موسی به سبب خاکساری بینهایت خود به او گفت که تنها آلفی خواهد نوشت که کوچکتر از آلف های دیگر توراه باشد و به واقع، آنرا ریز نوشت.

در اینجا نکته‌ی بسیار مهمی بیان شده، اما پیش از بررسی بیشتر آن، به انتهای کتاب سری بزنیم. درست پیش از پایان، در پاراشای بخو کوتای یکی از وحشت‌انگیزترین دو بخش توراخ رخ می‌دهد. آنرا *tochachah* می‌نامند به معنای رد کردن – بخش دیگر در دواریم ۲۸ می‌آید. در اینجا سرنوشت وحشتناکی که برای بنی اسرائیل پیش خواهد آمد اگر عهد با خدا را زیرپا بگذارند، توصیف می‌شود:

بر سر آنهایی از میان شما که در سرزمین دشمنانتان زنده بمانید، چندان ناامنی نازل می‌کنم که صدای یک برگ خشک آنها را از ترس شمشیر فراری بدهد. آنها بدون آنکه کسی به دنبالشان باشد، به زمین خواهند افتاد... زمین دشمنانتان شما را خواهد بلعید. لاویان ۳۶-۳۸: ۲۶

اما با وجود طبیعت تکان‌دهنده‌ی این هشدارها این بخش با سخنی تسکین‌آمیز پایان می‌یابد:

من عهد خود با یعقوب را به یاد خواهم داشت و نیز عهد خود با اسحق و عهد خود با ابراهیم را. سرزمین را به یاد خواهم داشت... حتی وقتی که در زمین دشمنان باشند، آنها را پس نخواهم زد و از آنها چنان متنفر نخواهم بود که یکسره نابودشان کنم و عهد خود با آنها را از هم بگسلم. من هستم خداوند، خدای آنها. با این همه، به خاطر آنها من عهد خود با نیاکانشان که در مقابل چشم ملت‌ها از مصر خارج کردم تا خدایشان باشم را از یاد نخواهم برد. من هستم خدای یکتا. لاویان ۴۲-۴۴: ۲۶

کلیدواژه‌ی این بخش واژه‌ی *keri* است که هفت بار در *tochachah* تکرار می‌شود، به نشانه‌ی تأکید بر روی اهمیت آن. دو مورد آن برای مثال از این قرارند:

اگر با وجود این هنوز به من گوش ندهید و همچنان با من سر دشمنی داشته باشید، آنگاه در خشم خود با شما دشمن خواهم شد و خودم شما را هفت برابر برای گناهانتان مجازات خواهم کرد. لاویان ۲۷-۲۸: ۲۶

*Keri* به چه معنا است؟ من آنرا در اینجا با واژه‌ی دشمن ترجمه کرده‌ام. پیشنهادهای دیگر هم هست. ترگوم آنرا "سخت کرد قلب خود" معنا کرده، و راشبام "رد کردن". ابن عزرا آنرا "متکبر" و سعدیا "شورش" ترجمه کرده‌اند.

اما هارامبام تفسیر متفاوتی در پیش زمینه‌ی هلاخا دارد:

یک دستور مثبت تورات توصیه به دعاخواندن و به صدا درآوردن شیپورها [شوفارها] در زمانی دارد که جماعت به مشکلی دچار می‌شود. زیرا وقتی در تورات می‌آید "علیه دشمنی که به تو ستم می‌کند، باید

شیپورهای هشدار را به صدا درآوری"، یعنی: با دعا و صدای شیپور... این یکی از راه های توبه است، زیرا وقتی جماعت در برابر تهدید و دشواری در دعای خود فریاد می زند و شیپور به صدا درمی آورد، همه درمی یابند که در نتیجهی اعمال بد آنها شر نازل شده... و آن توبه موجب خنثی شدن مکافات می شود.

اما اگر مردم هنگام دعا زاری نکنند و شیپورها را به صدا درنیاورند و فقط بگویند که این است راه و رسم دنیا که چنین اتفاق هایی بیفتند و مشکل آنها اتفاقی است، آنگاه سنگدلی را برگزیده اند که به ادامه دادن خطاهایشان می انجامد و مکافات های بیشتری بر آنها نازل می شود. زیرا وقتی که تورات می گوید "اگر به *keri* یا دشمنی با من ادامه بدهید، آنگاه در خشم خود با شما دشمن خواهم شد"، یعنی:

اگر وقتی من بر شما مکافات نازل می کنم تا شما را به توبه وادارم، بگویی که این مکافات یکسره اتفاقی است، آنگاه به مکافات شما خشم خود را از این که آنرا به بخت و اتفاق وا گذاشته اید، خواهم افزود. میشنه  
توراه، تعنیوت ۱-۳: ۱

هارامبام *keri* را مربوط می داند به واژهی *mikreh* به معنای "اتفاق". در تفسیر او لعنت ها انتقام الهی هستند. این خدا نیست که اسرائیل را به رنج دچار می کند: بلکه آدم های دیگر این کار را انجام می دهند. آنچه اتفاق می افتد این است که خدا حفاظت خود را پس می کشد. اسرائیل فقط با دنیای مادی روبه رو خواهد بود، بی آنکه جلال الهی از او محافظت کند. از دید هارامبام این امری ناگزیر، ساده و پایاپای است (*middah kenegged middah*) یا مقابله به مثل. اگر اسرائیل به مشیت الهی معتقد باشد، از حضور الهی نیز بهره مند می شوند. اگر تاریخ را بخت و اتفاق خالص ببیند - که جوزف هلر نویسندهی کتاب *Catch-22* "کیسه آشغال پر از اتفاق ها که باد در آنرا باز کرده" می نامد - آنگاه به دست اتفاق سپرده می شوند. وقتی یک ملت، کوچک و آسیب پذیر است، اتفاق ها به سود آنها نخواهند بود.

اینک می توانیم بفهمیم گزاره ای را که ابتدای ویکرا را به انتهای آن ربط می دهد و یکی از عمیقترین حقیقت های روحانی است. در زبان عبری، تفاوت میان میکرا و میکره - میان تاریخ همچون فراخوان خدا و تاریخ همچون رویدادی از پی رویداد دیگر بدون هیچ هدف و معنا - تقریباً نامحسوس است. این کلمات، صدایی همسان دارند. تنها تفاوت آنها این است که اولی یک آلف دارد و دومی ندارد (اهمیت آلف آشکار است: نخستین حرف الفبای عبری و نخستین حرف ده فرمان است دال بر خدا [توضیح مترجم فارسی: آنوخی: من هستم...])

حرف آلف تقریباً بیصدا است. شکل آن در یک تومار تورات در ابتدای ویکرا (به صورت آلف ریز) تقریباً نادیدنی است. تورات می خواهد بگوید که انتظار نداشته باش حضور خدا در تاریخ همواره به اندازه‌ی رویدادهای خروج از مصر و شکافتن دریا واضح باشد. بیشتر وقت ها به حساسیت خود شما بستگی دارد. برای کسانی که می نگرند، دیدنی و برای آنها که گوش می دهند، شنیدنی خواهد بود. اما ابتدا باید بنگری و گوش فرادهی. اگر گزینش تو نگاه نکردن و گوش ندادن باشد، آنگاه ویکرا تبدیل می شود به ویکار. فراخوان بیصدا می شود و تاریخ به نظر، اتفاق محض می رسد.

این ایده دارای هیچ خدشه ای نیست. کسانی که به آن باور دارند، دلیل برای درستی آن بسیار دارند. در واقع، خدا در *tochachah* می گوید: اگر تاریخ را اتفاق محض بدانی، آنگاه چنین هم می شود. اما در حقیقت این گونه نیست. تاریخ یهودیان که حتی غیریهودانی چون پاسکال، روسو و تولستوی به شیوایی بیان کرده اند، گواهی به حضور الهی در میان آنها می دهد. تنها با وجود چنین حضوری، یک ملت کوچک و نسبتاً بیقدرت می توانست پس از هولاکاست امروز باقی بماند و بگوید *am yisrael chai* یا ملت یهود زنده است. و چون تاریخ یهود اتفاق محض نیست، همان گونه نیز اتفاق محض نیست که نخستین واژه‌ی کتاب مرکزی تورات ویکرا است، به معنای "و او فراخواند".

یهودی بودن باور داشتن به این است که آنچه بر ما رخ می دهد، فراخوان خدا برای ما است تا "مملکتی از کاهنان و ملتی مقدس" بشویم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



[www.RabbiSacks.org](http://www.RabbiSacks.org)

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • [info@rabbisacks.org](mailto:info@rabbisacks.org)

© Rabbi Sacks • All rights reserved